



# زیبایی‌شناسیِ نه‌ایشی ژان ژنه

مجموعه مقالات، نامه‌ها و گفت‌وگوها

| گزینش و ترجمه: مهتاب بلوکی | ستاتر: نظریه‌ی اجرا (۱۵) |

| L'esthétique théâtrale de Jean Genet | Translated by: Mahtab Bolouki |





| زیبایی‌شناسی نمایشی ژان ژنه |

| گزینش و ترجمه: مهتاب بلوکی |

| ویراستار: مرندی حسینی‌زاده |

| نمونه‌خوان: شیرین افخمی، فروغ محمودی |

| صفحه‌آرایی: آلا شوپز |

| مدیر هنری و طراح گرافیک: سیاوش تصاعدیان |

| مدیر تولید: مصطفی شریفی |

| چاپ اول | ۱۳۹۷ تهران | ۱۰۰۰ نسخه |

| شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۰۶-۷۶-۰ |

|  Bidgol Publishing co. |

| تلفن‌های انتشارات: ۲۸۴۲۱۷۱۷ | فکس: ۲۸۴۲۱۷۱۸ |

| فروشگاه: تهران | خیابان انقلاب | بین ۱۲ فروردین و فخر رازی | پلاک ۱۳۷۴ |

| تلفن فروشگاه: ۱۷ ۳۶ ۹۶ ۶۶، ۴۵ ۳۵ ۴۶ ۶۶ |

| [bidgolpublishing.com](http://bidgolpublishing.com) |

| همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است. |

## مجموعه تئاتر: نظریه و اجرا

چرا به نظریه و عمل تئاتر نیاز داریم؟ جدایی نظریه و عمل در تئاتر ایرانی چه پیامدهایی را به همراه داشته است؟ بعد از چندین دهه از سپری شدن عمر تئاتر ایرانی، نیاز به ترجمه آثار کلاسیک نظریه پردازان و پیشروان تئاتر بیش از پیش در تئاتر ما حس می شود.

مجموعه تئاتر: نظریه و اجرا، با این نیت طراحی شده است تا به معرفی جریان های مهم تئاتری دنیا، در دوره ما بپردازد. سنت هایی که لزوم خوانش مجددشان از هر جهت حس می شود. بر این اساس معرفی جریان های عمده تئاتر و اجرای معاصر، بازخوانی آن ها، تأکید نهادن بر رابطه میان عمل و نظریه تئاتر از اهداف اصلی این مجموعه است.

دبیر مجموعه

علی اکبر علیزاد

## | فهرست مطالب |

۱۱	مقدمه
۱۵	خلاصه‌ای از پنج نمایشنامه ژان ژنه
۱۷	واژه غریب... (۱۹۶۷)
۲۹	چگونه کلفت‌ها را اجرا کنیم (۱۹۶۲)
۳۳	چگونه بالکن را اجرا کنیم (۱۹۶۲)
۳۷	پیشگفتار چاپ نشده سیاهان
۴۷	نامه‌هایی به رژه بلن (۱۹۶۷)
۸۷	نامه‌هایی به ژان ژاک پُور (۱۹۵۴)
۹۳	نامه‌هایی به برنارد فرچمن (۱۹۶۲ - ۱۹۵۶)
۱۱۱	نامه‌هایی به پاتریس شِرو (۱۹۸۳)
۱۱۳	مورد ژان ژنه (۱۹۴۹)
۱۲۱	گفت‌وگو با آندره آکار (در دهه ۱۹۸۰)
۱۲۳	گفت‌وگو با ماریا کاسارس (در دهه ۱۹۸۰)

## | مقدمه |

ژان ژنه (۱۹۸۶-۱۹۱۰) نویسنده و نمایشنامه‌نویس فرانسوی در ایران چندان شناخته شده نیست. به غیر از نمایشنامه **کلفت‌ها** که بار اول در دهه ۱۳۴۰ ترجمه و چاپ شد و در سال‌های اخیر چندین بار به صحنه رفت، نمایشنامه‌های دیگر ژنه، **بالکن**، **سیاهان** و **پاراوان هادر کشور** ما آثار گمنامی هستند، گرچه **سیاهان** و **بالکن** در دهه ۸۰ و ۹۰ ترجمه و چاپ شدند.

ژنه همیشه نویسنده‌ای جنجال‌برانگیز بوده است. فیلسوف بزرگی چون سارتر در زندگینامه‌ای تحلیلی با عنوان **قدیس ژنه، بازیگر و شهید**<sup>۱</sup>، که ژنه را به شش سال سکوت کشاند، و نویسندگانی چون کوکتو<sup>۲</sup> یا فرانسوا موریاک<sup>۳</sup> در زمان حیات او له یا علیه‌اش موضع‌گیری کرده‌اند. پس از آن نیز فیلسوفانی چون ژرژ باتای<sup>۴</sup> و ژاک دریدا<sup>۵</sup> آثار ارزشمندی همچون **ادبیات شر و ناقوس عزا** را درباره او به رشته تحریر درآورده‌اند. همه این نقدها نشانگر اهمیت نویسنده است؛ اهمیتی که شاید علی‌رغم مقاله‌ها، نقدها و سمینارهای بی‌شمار هنوز کاملاً روشن نشده است. گویا غنای نوشته‌های او به مرور زمان خود را نمایان می‌کند.

1. Sartre, Jean-Paul, *Saint-Genet, comédien et martyr*, 1952.

2. Jean Cocteau

3. François Mauriac

4. Bataille, Georges, *la littérature et le mal*, 1957.

5. Derrida, Jacques, *Glas*, 1974.

باید با ادبیات و لحنِ ژنه همراه شد: ژنه متناقض می‌نویسد و تناقض محور اصلی اندیشهٔ اوست، و برای همین ممکن است فهم آن در ابتدا دشوار باشد، پس یکی از محورهای اصلی آثار ژنه که کشف تمامیت معنایی آن را به تعویق می‌اندازد، تناقض است؛ بدین معنا که پیچیدگی آثار او نوعی سادگی را پنهان می‌کند اما همین سادگی دوباره دری به سوی پیچیدگی باز می‌کند. برای نمونه در نمایشنامهٔ **سیاهان** بیان تمام سازوکارهای نمایشی یعنی آنچه در متن نمایشنامه یا در پشت صحنه می‌گذرد – توسط بازیگران روی صحنه – خود نوعی ساده‌سازی سازوکار پیچیدهٔ نمایشی است. اما همین بیان یا عیان‌سازی، درک نمایشنامه را پیچیده‌تر می‌کند زیرا لایه‌های معنایی بیشتری را می‌گشاید.

گذشته از تناقض، «اغراق» نیز یکی دیگر از محورهای اصلی اندیشهٔ ژنه به‌ویژه در نمایشنامه‌های اوست. ژنه برای فاصله‌گذاری میان فضای نمایشی خویش و فضاهای نمایشی دیگری که کپی‌برداری از واقعیت روی صحنه محسوب می‌شوند، تمام عناصر نمایشی یعنی بازی‌هنرپیشه‌ها، حرکات و گفتار آن‌ها، لباس‌ها، آرایش‌ها، طراحی صحنه، نورپردازی و صداها را چنان از ابعاد معمول خارج می‌کند که نمایش به بازنمایی ناواقعیت روی صحنه بدل می‌شود. برای نمونه طراحی صحنه و نورپردازی‌ای که ژنه برای اجرای نمایشنامهٔ **سیاهان** روی صحنه خواسته بود به این ترتیب است:

همهٔ هنرپیشه‌ها باید حتماً سیاه‌پوست باشند. اگر تصادفاً یک شب تمام تماشاچیان سیاه‌پوست بودند باید حتماً یک «عروسک» سفیدپوست در میان جمعیت نشانده شود. نور صحنه و نور سالن هر دو باید هم‌زمان روشن شوند و باید نوری سفید و بسیار قوی باشد.

دکوری که ژنه برای **پاراوان‌ها** در نظر گرفته است به تدریج تا پایان نمایش به نُه طبقه تقسیم می‌شود و هر طبقه نیز مکان‌های مختلفی را نشان می‌دهد؛ کاری بی‌سابقه که اجرای این نمایشنامه را بسیار دشوار می‌سازد. لباس‌ها و آرایش‌هایی که ژنه برای همین نمایشنامه در نظر گرفته است به هر یک از شخصیت‌ها چهره‌ای اسطوره‌ای می‌بخشد: لباس مادر از تکه‌پارچه‌های مختلف اما همگی به رنگ بنفش

درست شده و در طول نمایش پاهای او برهنه است، چهرهٔ یکی دیگر از شخصیت‌ها مانند تار عنکبوت آرایش شده و لباس سعید، پسرِ مادر، رنگارنگ است: شلوار سبز، کت قرمز، کفش زرد، کراوات بنفش کم‌رنگ... حتی در اجرای نمایشنامهٔ **بالکن**، ژنه خواسته بود که سه شخصیتِ اسقف، قاضی و ژنرال ارتش هر سه کفش‌هایی بالژسی سانتی‌متری به پا کنند.

ژنه در مورد حرکات و گفتار بازیگران روی صحنه نیز بسیار حساس و دقیق بود: حرکات آن‌ها نمی‌بایست هماهنگ با گفتار آن‌ها باشد و حتی از آن‌ها می‌خواست نوسانات تُن صدایشان را از زمزمه به جیغی بلند تغییر دهند.

بازی انعکاس‌ها نیز از دیگر محورهای اصلی نمایشنامه‌های ژنه است. با این بازی هویت شخصیت‌ها مبادله یا مخدوش می‌شود و بدین ترتیب هر واقعیتی خود را چون ظاهری دروغین نشان می‌دهد؛ توهمی که آن نیز خود را همچون بخشی از توهمی دیگر پدیدار می‌کند و الی آخر؛ گویی دو یا چند آینه تصاویر را در یکدیگر تا بی‌نهایت بازتاب می‌دهند تا سرانجام تصویر از واقعیت تهی شود. در **مراقبت ویژه لوفران** بازتاب زیورمی‌شود که مرتکب قتل شده است؛ در **کلفت‌ها** کلر بازتاب مادام می‌شود و سولانژ بازتاب خواهرش کلر؛ در **بالکن** خانهٔ اوهام مادام ایرما، او و مشتریانش، بازتاب سلطنت، دربار و حکومت می‌شوند.

نمایشنامه‌های ژنه با این تلاقی انعکاس‌ها شکل می‌گیرند و بازی آینه‌ها هر واقعیتی را به توهم تبدیل می‌کند. نه هویت واقعی شخصیت‌ها، نه واقعیت موقعیت‌ها هیچ‌کدام قابل تشخیص نیستند و از همین روشک و تردید در جای جای نمایشنامه‌ها بروز می‌کند. این آثار نمایشی که واقعیت را در خود گم و آن را در بازی ظواهر تکثیر و در یکدیگر ضرب می‌کنند، نشان جست‌وجویی است که از دروغین بودن تصاویر متکثر پرده برمی‌دارد.

مجموعهٔ حاضر، به غیر از متن «واژهٔ غریب...» نوشته‌هایی نظری دربارهٔ هنر نمایش نیستند، بلکه متونی هستند پراکنده، برگزیده از میان یادداشت‌ها و توصیه‌های اجرایی ژنه به کارگردانان و بازیگران آثارش، نامه‌های ژنه به ناشرانش که اهمیت مسئلهٔ مالی را برای یک نویسنده روشن می‌کند و نیز چند متن در مورد خود ژنه آن‌گونه که دیگران او را می‌دیدند. اما شاید این متون از جهاتی برای کارگردانان، هنرپیشگان و

دست اندرکاران تئاتر، به‌ویژه اکنون که علاقه‌ای مجدد توأم با نوآوری در فضای هنر نمایش ما ایجاد شده است، الهام‌بخش باشد. برای مثال نمایشنامه کلفت‌ها که در سال‌های اخیر پنج‌بار ترجمه و حداقل دو بار به صحنه رفته است، با الهام گرفتن از راهکارهای بسیار متفاوت و شخصی ژنه در امر اجرا، می‌تواند بار دیگر با جاذبه‌ای جدید به صحنه رود.

از ژنه و آثارش هیچ‌گاه نباید شفافیتی آسان را طلبید. ژنه پیچیده‌انگار و پیچیده‌نویس است اما دنیای او هر بار که چهره خود را بنمایاند، سپهری عجیب را روشن می‌کند.

